نیمه پنهان کشمیر – ۷

کشمیر در اوج قیام و شورش همگانی علیه هند

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

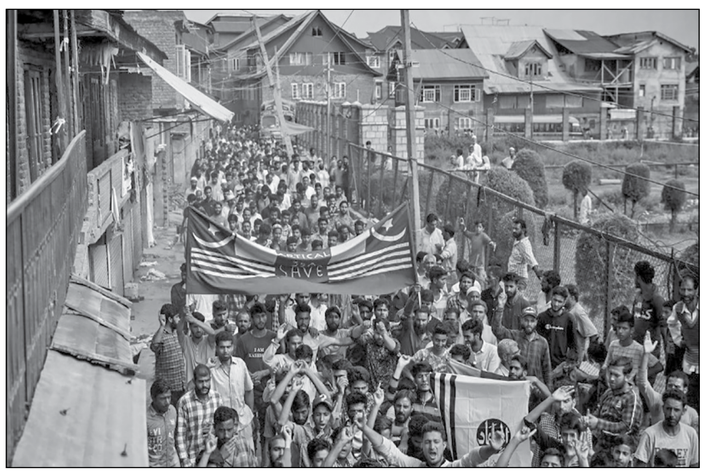

سحرگاهان و به قولی خروس‌خوان کشمیری‌ها در روستا همراه با فعالیت روزانه، رفت و آمدها، سر و صداها و شلوغی مردم به‌ویژه روستائیان است.

من با سر و صدای ظروف آشپزخانه و همچنین خروس‌ها و جوجه‌هایی که در حیاط خانه دنبال دانه تاب می‌خورند بیدار می‌شوم.

از همسایه ما در صبحگاهان که گوسفندانش را برای چرا به اطراف کوه‌ها می‌برد تا صدای پای روستائیانی که ضمن صحبت با هم چوب‌های صنوبر و کاج را از جنگل به خانه می‌آورند تا بوق زدن‌های ممتد راننده برای اولین اتوبوسی که می‌خواهد روستا را ترک کند و منتظر مسافر است همه و همه حال و هوای روزانه روستائیان کشمیری را به نمایش می‌گذارد.

اما آن روز صبح دهکده ما به‌طور غیر معمولی ساکت و خاموش بود، حسن، نانوای محل که همیشه مشتریان را با شوخی‌های بامزه می‌خنداند آن روز صبح خیلی ناراحت و گرفته بود و به زور لواش‌ها را از تنور در می‌آورد. من هرگز او را چنین اوقات تلخ و کج خلق ندیده بودم. حسن در حالی‌که به آتش تنور که زبانه می‌کشید خیره شده بود به طرف من آمد و گفت: «اون جنایتکاران در آتشی بدتر از این سوزانده خواهند شد، دیشب وقتی خبر این کشت و کشتارها را از رادیو شنیدم مدام گریه می‌کردم».

آن روز هیچ مغازه‌ای باز نشد و هیچ اتوبوسی از روستا حرکت نکرد. هیچ راهی برای پیدا کردن پدر نبود. پست‌خانه منطقه آنانتناگ که یک تلفن همگانی در آن تعبیه شده نیز بسته بود.

روستائیان کنار پیاده‌روها و جلوی مغازه‌ها و راه‌هایی که به روستا ختم می‌شد ایستاده و برای همدیگر چگونگی اخبار این حادثه هولناک را تعریف می‌کردند.

احساس کردم خشم عمومی گسترش پیدا کرده است، یک مرد جوان شعاری را سر داد:

– ما چه می‌خواهیم؟

جواب آمد: آزادی، آزادی.

این شعارمرتب و به‌طور ممتد تکرار می‌شد.

شعارهایی که در ابتدا ضعیف و با اکراه همراه بود هر لحظه زیادتر و محکم‌تر ادا می‌شدند. زنان پیر و جوان در کنار پنجره خانه‌هایشان نظاره‌گر تحرکات بودند.

شعارهای جدیدتری به‌طور فی‌البداهه ساخته می‌شد.

یک مرد جوان که دستش را به طرف گروهی از زنان که تجمع جمعیت را تماشا می‌کردند نشانه رفته و فریاد بر می‌آورد:

– مطالبه مادران ما چیست؟

جمعیت جواب می‌داد: آزادی، آزادی

– مطالبه خواهران ما چیست؟

– آزادی، آزادی.

من کمی جو زده شده و از دوستانم جدا و به صف اول تظاهرکننده‌ها پیوستم.

یک نفر که فرزندش را روی دوش‌هایش گذاشته بود فریاد می‌زد:

– مطالبه فرزندان ما چیست؟

– آزادی، آزادی.

تا فوریه ۱۹۹۰ کشمیر در اوج قیام و شورش همگانی علیه هند شده بود.

اخبار رادیو کلا راجع به مبارزان، درگیری‌ها و مرگ شده بود.

به دنبال هر تظاهراتی کشت و کشتار بود و به‌دنبال هر کشت و کشتاری تظاهرات و اعتراضاتی جدید.

اخبار رسیده از سرینگر حکایت از آن داشت که صدهاهزار نفر از مردم برای استقلال کشمیر در زیارتگاه نورالدین ریشی[1] در شهری که یک ساعت با سرینگر فاصله دارد تجمع کرده‌اند.

تقریبا در تمام شهرهای کشمیر تظاهرات مشابهی در جوار بارگاه صوفیان و عالمان دینی و مراکز مذهبی برگزار می‌شد.

یک روز دیگر من به تظاهرات صوفی زین شاه صاحب در «عیش مقام» نزدیک مدرسه‌ام پیوستم. چند مرد جوان کفن‌پوش ما را در این تظاهرات رهبری می‌کردند. آنها در حالی‌که مثل درویش‌ها دور خود می‌چرخیدند گویی از خود بیخود شده و آوازهایی به طرفداری از استقلال سر می‌دادند.

من پشت سر آنها حرکت و هر آنچه را می‌گفتند تکرار می‌کردم. مردان، زنان و بچه‌ها در کنار خیابان ایستاده بودند و به تظاهرکنندگان غذا و نوشیدنی، شیرینی تعارف کرده و بر سر آنها گل و نقل و نبات می‌ریختند حرکتی که مردم معمولا در زیارتگاه‌ها و مراسم عروسی انجام می‌دهند. اقشار مختلف مردم واقعا به یک سیل خروشان انسانی تبدیل شده بودند.

پیمانکاری که مشروبات الکلی را در ظرف‌های سوخت جابه‌جا می‌کرد، وکیل نگرانی که منتظر بود تا رهگذران به او اعتنا کرده و تحویلش بگیرند، خیاطی که مشتری جوان را با داستانسرایی‌هایش در مغازه سرگرم کرده بود، داروخانه‌داری که پشت پیشخوان خواب رفته بود، روباه پیری که در مورد ارتباطاتش با سیاستمداران کنگره در دهلی لاف می‌زد، فارغ‌التحصیل بیکاری که خودش را به عنوان مفسر انگلیسی مسابقات تیم کریکت روستایی جا زده بود، احیاگر سلفی که کفش‌های پلاستیکی می‌فروخت و کمونیست سبدسازی که سبیل‌هایی مانند استالین داشت همه با همدیگر به صف تظاهرات پیوسته بودند.

در میان تصادم و برخورد فیزیکی آدم‌ها به هم در آن شلوغی، نگه داشتن دست‌ها، به هم‌پیوستگی چشم‌ها در اثبات و تأیید، ادغام ناگهانی هزاران صدای در هم تنیده با هم، من دیگر آن پسر بچه خجالتی و صرفا کتابخوان که باید در حد و انتظارات خانواده‌ام باشم نبودم.

من دیگر از اینکه مورد سرزنش قرار گیرم هراسی و ترسی به دل نداشتم.

احساس می‌کردم که وابسته و متعلق به چیزی بزرگ‌تر شده‌ام به عبارتی من ناخودآگاه در سفر «من» به «ما» بودم. به خودم اجازه دادم که با جلویی‌ها حرکت کنم و در میان جمعیت به پرواز درآیم. آزادی در طول زمستان تقریبا هر مرد کشمیری برای خودش «فرهاد کوهکنی» شده بود و می‌خواست جوی شیری را از میان کوه‌ها برای معشوق خود شیرین که همان آزادی بود به تراشد. «جنگ تا پیروزی» شعاری بود که در همه جای کشمیر شنیده می‌شد. در کنار این شعار شعار دیگری هم تحت عنوان «حق تعیین سرنوشت، حق مادر زادی ماست» به چشم می‌خورد.

دولت هند برای سرکوب شورش و قیام کشمیری‌ها صدها هزار نیروی نظامی و اضافی را به اقصی نقاط کشمیر فرستاده بود.

تقریبا هر روز سربازان هندی در روستای ما اقدام به قدرت‌نمایی می‌کردند. آنها با چهره‌های نگران و مضطرب که خوی تجاوزگری در آنها موج می‌زد و در حالی که دست‌هایشان را روی ماشه تفنگ‌های خودکار و نیمه خودکارشان گذاشته بودند دائم به گشت‌زنی مشغول بودند.

اردوگاه‌ها، مقرهای نظامی و شبه‌نظامی همچنین ایست‌های بازرسی تقریبا در تمام روستاها و شهرها کشمیر ایجاد شده بود.

دیگر برای پدر سخت شده بود که آخر هفته‌ها به خانه باز گردد. او دیگر نمی‌توانست با ماشین اداری به روستا بیاید چرا که در میان مردم انگشت‌نما می‌شد. دیگر مسافرت او از سرینگر به روستا که دو ساعت رانندگی دلپذیری را از میان دشت‌های زیبا برای او به همراه داشت اکنون بسیار پرخطر و تهدیدآمیز شده بود.

زمان مسافرت او از سرینگر به روستا به‌جای دو ساعت با وضعیت جدید ۵ ساعت به طول می‌انجامید.

او که با اتوبوس سفر می‌کرد در یک روز معمولی مجبور بود برای رسیدن به خانه هر ۱۵ دقیقه در یک ایست بازرسی توقف کند، مسافران پس از پیاده شدن به صف می‌شدند، آنها اوراق هویت‌شان را بالای دستشان گرفته تا مورد شناسایی و تأیید قرار گیرند.

سپس وسایل شخصی از جمله کتاب‌ها و پرونده‌های پدر نیز باید کنترل می‌شد. پس از یک تفتیش بدنی او باید ۵۰۰ متر آن‌طرف‌تر از ایست بازرسی در یک صف دیگر می‌ایستاد تا اتوبوس بیاید و او سوار شده و به راهش ادامه دهد.

پدر هرگز در مورد این اتفاقات مدت‌ها با من صحبت نمی‌کرد بعدها بود که او تجربیاتش را با من در میان گذاشت.

تا فوریه ۱۹۹۰ کشمیر در اوج قیام و شورش همگانی علیه هند شده بود. اخبار رادیو کلاً راجع به مبارزان، درگیری‌ها و مرگ شده بود. به دنبال هر تظاهراتی کشت و کشتار بود و به دنبال هر کشت و کشتاری تظاهرات و اعتراضاتی جدید.

پانوشت:

۱-عارف و شاعر اهل کشمیر بود که به «شیخ نورالدین ولی» نیز شهرت دارد. اجداد او از فرمانروایان هندو، و ساکن کشتوار بودند.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۸۰

بنیاد راکفلر بخش لاینفک ماشین جنگ سرد آمریکا

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

شپرد استون رابط کلیدی کنگره و بنیاد فورد به شمار می‌رفت و به خاطر ایجاد ساختار و رویه‌هایی که دولت آمریکا و گروه‌های خصوصی به وسیله آن در مناسبات جهانی شرکت می‌کردند، جایگاهی برای خود دست و پا کرده بود.

او که قبل از جنگ، ویراستار یکشنبه نیویورک تایمز بود، [بعد از جنگ] رهسپار خدمت در G-۲ (اطلاعات ارتش) شد و بعد، زیر نظر مک‌کلوی در آلمان مدیریت امور عمومی را برعهده گرفت که در این کسوت حمایت‌های دولتی به [مجله] دِرمونات را کسب کرده بود. جان مک‌کلوی که یَد طولایی در جنگ روانی داشت، فراوان به استون فکر می‌کرد تا او را به عنوان جانشین شایسته‌ای به جای مدیر کنار رفته هیئت راهبردهای روانشناختی[1] در سال ۱۹۵۱ پیشنهاد کند.

استون وارد این شغل نشد و در عوض به بنیاد فورد پیوست. در طول فعالیتش [در بنیاد فورد] به قدری به سازمان سیا نزدیک گردید که بسیاری بر این باور بودند او یکی از افراد این سازمان است. یکی از مأموران به طور مبهم اظهار داشت: «شپ از افراد سیا نبود، گرچه ممکن است در آن آب‌ها ماهی‌گیری کرده باشد[2]». او در سال ۱۹۵۳ به دعوت جوسلسون یک ماه را در اروپا سپری و با افراد کلیدی کنگره دیدار کرد. استون بعد از اینکه از سال ۱۹۵۴ مدیر بخش بین‌الملل بنیاد فورد شد، ارزشی دوچندان برای کنگره پیدا نمود. بنیاد راکفلر که از بنیاد فورد کمتر نبود بخش لاینفک ماشین جنگ سرد آمریکا به حساب می‌آمد. خیر اصلی این بنیاد که در سال ۱۹۱۳ تاسیس شد، جان دی راکفلر سوم افسانه‌ای بود.

دارایی‌های بنیاد بدون احتساب ۱۵۰ میلیون دلار مازاد در صندوق برادران راکفلر به بیش از ۵۰۰ میلیون دلار می‌رسید. صندوق برادران راکفلر اندیشکده بزرگی محسوب می‌گردید که در سال ۱۹۴۰ در نیویورک تاسیس شد. این بنیاد در سال ۱۹۵۷ تاثیرگذارترین ذهن‌های آن دوره را تحت لوای طرح مطالعاتی ویژه که وظیفه آن تلاش برای تعریف سیاست خارجی آمریکا بود، گرد هم جمع کرد.

بنیاد راکفلر که از بنیاد فورد کمتر نبود بخش لاینفک ماشین جنگ سرد آمریکا به حساب می‌آمد. خیر اصلی این بنیاد که در سال ۱۹۱۳ تاسیس شد، جان دی راکفلر سوم افسانه‌ای بود. دارایی‌های بنیاد بدون احتساب ۱۵۰ میلیون دلار مازاد در صندوق برادران راکفلر به بیش از ۵۰۰ میلیون دلار می‌رسید. صندوق برادران راکفلر اندیشکده بزرگی محسوب می‌گردید که در سال۱۹۴۰ در نیویورک تاسیس شد.

میزگرد [مشورتی] دومی به منظور مطالعه روی اهداف و راهبرد امنیت بین‌الملل تعیین شد که اعضای آن شامل هنری و کلِر بوث لوس، لارنس راکفلر، تاونسند هوپس (به نمایندگی از شرکت جوک ویتنی)، نلسن راکفلر، هنری کیسینجر، فرانک لیندزی و ولیام باندی از سازمان سیا بود. همگرایی بین پول‌های میلیاردی بنیاد راکفلر و دولت آمریکا حتی از بنیاد فورد فراتر رفت. جان فاستر دالس و بعداً دین راسک، هر دو از ریاست بنیاد راکفلر به سمت ریاست وزارت امور خارجه رفتند. از دیگر وزنه‌های سنگین جنگ سرد می‌توان به جان جِی مک‌کلوی و رابرت آلاوِت که هر دو از امنای بنیاد راکفلر بودند، اشاره کرد.

موقعیت مرکزی نلسون راکفر در این بنیاد تضمین‌کننده روابط نزدیک با محافل اطلاعاتی ایالات متحده به نظر می‌رسد: او مسئول کل اطلاعات در آمریکای لاتین در طول جنگ جهانی دوم بود. بعدها همکار او در برزیل سرهنگ جِی سی کینگ رئیس فعالیت‌های مخفی سیا در نیمکره غربی شد. وظیفه نلسون راکفلر هنگامی که توسط آیزنهاور به عضویت شورای امنیت ملی در سال ۱۹۵۴ منصوب شد، تأیید عملیات‌های مخفی مختلف بود. اگر او در مورد فعالیت‌های سیا به اطلاعات بیشتری نیاز داشت، می‌توانست به راحتی از دوست قدیمی‌اش آلن دالس بخواهد در یک جلسه حضوری توضیحات کافی را به او بدهد. یکی از بحث‌برانگیزترین این فعالیت‌ها، برنامه تحقیقات کنترل ذهن (یا کاندیدای منچوری)[3] سازمان سیا در طول دهه ۱۹۵۰ بود. این تحقیق با [همراهی] کمک‌های مالی بنیاد راکفلر انجام شد.

نلسون راکفلر در طول جنگ به اداره واحد اطلاعاتی خود اشتغال داشت و در صفوف دفتر خدمات راهبردی غائب بود و در واقع یک دشمنی مادام‌العمر با ویلیام دونوان ایجاد کرد. اما هیچ تعصبی در قبال کهنه سربازان دفتر خدمات استراتژیک OSS وجود نداشت و [آنها به راحتی] فوج فوج جذب بنیاد فورد می‌شدند. در سال ۱۹۵۰ چارلز بی‌فاس که از دار و دسته دفتر خدمات استراتژیک OSS بود، رئیس بخش علوم انسانی بنیاد شد. دستیار او [در بخش علوم انسانی] یکی دیگر از کهنه‌سربازان دفتر خدمات استراتژیک OSS، به نام چادبورن گیلپاتریک بود که مستقیما از سازمان سیا به آنجا آمد. این دو، رابط اصلی کنگره آزادی فرهنگی و مسئول اعطای یارانه‌های بزرگ به واحد جوسلسون بودند.

پانوشت‌ها:

۱- Psychological Strategy Board

۲- یعنی گذرش به سیا افتاده باشد.

۳- ULTRA (or "Manchurian Candidate")

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ – ۳۳۱۱۰۲۰۸ – ۳۳۱۱۲۱۹۳ – ۳۳۱۱۳۵۱۹ – ۳۳۹۱۱۵۶۸ – ۳۳۱۱۲۲۹۱ – ۳۳۱۱۰۲۱۰ – ۳۳۱۱۹۲۳۶ – ۳۳۱۱۳۰۸۵ – ۳۳۱۱۸۰۵۰ – ۳۳۱۱۲۱۹۵ – ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱ – شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ – اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ – چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ – شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ – مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ – شهرآرا ۱۱-۶۶۵۹۳۰۱۰- ۶۶۵۹۲۲۶۶

استخدام

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.

- واحد فنی: ۴ نفر مرد – با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد – با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ – ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک افق خرید–فروش– رهن–اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه ۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

منطقه نور و چمستان فروش چند واحد ویلا (باسند) همه قیمت موجود می‌باشد ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک انتظار فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور– چمستان (۴۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید. ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا) توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا– لکسوس (بازار) ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰– ۳۳۹۹۰۰۱۷

بنایی و خدمات ساختمانی

تهویه مطبوع احمدی ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت–اسپیلت– هواساز ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

ایزوگام–قیرگونی آسفالت ۰۲۱–۲۲۵۹۸۵۵۳ ۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده» انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ ۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

آگهی‌های مفقودی

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) کامیون باری فلزی ماک آر ۶۱۱ اس تی کا مدل ۱۳۵۶ به رنگ نارنجی روغنی به شماره انتظامی ۹۹۳ ع ۲۴ ایران ۱۸ و شماره موتور ۰۰۱۷۷۰ و شماره شاسی ۰۱۵۵۶۲ بنام قربان عابری ادب به شماره ملی ۴۰۱۰۰۷۵۷۱۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.(اسدآباد)

برگ سبز خودروی سواری استیشن هایما X7 رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۳ به شماره انتظامی ۹۷۸ق ۶۹ ایران ۷۳ و شماره موتور GA16YF۱۳۳۰۰۳۰۵۷ و شماره شاسی NAAD۸۹A۲ERYE۹۶۳۱۴ بنام محمود جوزن مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد. (آباده)

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پراید صبا(جی تی ایکس) مدل ۱۴۷۸ به شماره پلاک۱۴۲ی۵۳ ایران ۲۴ و شماره موتور۱۲۷۶۵۹ و شماره شاسی S ۱۴۱۲۲۷۸۶۰۷۰۵۲ به نام بهنام احمدی به کد ملی ۱۸۳۰۳۷۳۲۱۸ مفقود شده اعتبار ندارد.زرین شهر.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پژو پارس تیپ TU۳ مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۹۳ص۵۵۱ ایران ۶۷ وشماره موتور ۱۶۵A۲۰۷۷۰۷ وشماره شاسی NAAP۰۳EE۷NJ۳۱۰۰۳۲ به نام مریم ضیائی زردخشوئی به کد ملی ۶۲۰۰۰۴۵۸۶۰ مفقود شده اعتبار ندارد .زرین شهر.

سند کمپانی – شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و کارت معاینه فنی کامیونت ون زامیاد مدل ۱۳۹۸ به رنگ آبی به شماره انتظامی ۶۲۵ق ۸۶ ایران ۲۸ و شماره موتور Z ۲۴۸۰۸۸۶۳Z و شماره شاسی NAZPL۱۴۰BK۰۵۴۵۰۱۴ بنام زینب شریفی به شماره ملی ۴۰۱۰۴۱۲۲۵۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است . (اسدآباد)

برگ سبز خودرو سواری پیکان رنگ خردلی متالیک مدل۱۳۳۷ به شماره انتظامی ۷۴۳ق۲۳ایران ۷۳ موتور ۳۱۹۳۷۰۹۶ وشماره شاسی ۴۴۱۳۰ بنام محمدحسن رجائی مفقودگردیده ازدرجه اعتبارساقط می باشد(آباده)

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پژو تیپ TU۳ ۲۰۶ مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۹۳ص۵۵۱ ایران ۶۷ وشماره موتور ۱۶۵A۲۰۷۷۰۷ وشماره شاسی NAAP۰۳EE۷NJ۳۱۰۰۳۲ به نام مریم ضیائی زردخشوئی به کد ملی ۶۲۰۰۰۴۵۸۶۰مفقود شده اعتبار ندارد .زرین شهر.

برگ سبز و سند کمپانی (سند کارخانه) خودروی سواری پژو ۲۰۶ هاچ بک به شماره انتظامی ۱۲۲ س ۱۲ ایران ۳۰ با شماره موتور ۱۴۱۸۹۰۳۹۷۳۷ و شماره شاسی NAAP۰۳ED۵AJ۱۴۳۹۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (زنجان)

برگ سبز موتورسیکلت اژکتوری کویر S۲۱۵۰–C۴۱ مدل ۱۴۰۳ به رنگ خاکستری به شماره شهربانی ۱۵۸– ۴۲۲۶۹ و به شماره موتور ۰۱۵۰N۵۸۰۶۹۲۰۳ و به شماره تنه N۵۸S۲C۴۱۰REC۶۲۴۲۸ متعلق به حمیده مهدی‌پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز موتورسیکلت اژکتوری کیمکو AGILITYS۱۶۰–۵۱ مدل ۱۴۰۳ به رنگ طوسی به شماره شهربانی ۱۵۷– ۸۹۲۳۴ و به شماره موتور TC۴۰A۱۰۰۱۷۴۵ و به شماره تنه N۵۸CJD۵۱۰RE۳۱۰۱۱۶ به نام حمیده مهدی‌پور، مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری سیستم پژو تیپ پارس به رنگ مشکی– متالیک مدل ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ۲۳۶ س ۶۲ ایران ۶۲ به شماره موتور ۲۲۸۲۸۱۰۸۲۱۷ شاسی ۸۱۸۰۸۴۳۱ مربوط به ابوذر کهن سال کناری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (ساری)

برگ سبز خودرو سواری سایپا SL۱۳۱ به شماره پلاک ۴۲۶ ق ۳۲ ایران ۲۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۱ و شماره موتور ۴۶۹۴۵۱۲ و شماره شاسی S۳۴۱۲۲۹۱۴۵۹۵۹۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت کویر ۲۰۰CC مدل ۱۴۰۳ به رنگ آبی به شماره شهربانی ۱۵۷– ۹۱۱۶۷ و به شماره موتور ۰۲۰۰N۳C۴۵۴۴۷۱ و به شماره تنه N۳CCDFF۳۰REH۰۷۳۹۳ به نام حمیده مهدی‌پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

اینجانب امید زارعی مالک سواری پژو پارس به شماره انتظامی ۹۱۴ی ۹۱ ایران ۶۳ موتور۱۲۴۸۶۰۱۶۰۸۰ شاسی ۵۰۳۰۷۵۴۴ به علت مفقودی سند کمپانی و کارت مشخصات تقاضای رونوشت المثنی نموده ام چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت دو روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید . بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد . ضمنا مدارک مفقود شده، فاقد اعتبار است. مدت اعتبار این آگهی یکسال است . (شیراز)

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس TU۵ به شماره پلاک ۲۱۶ ق ۳۴– ایران ۲۴ به رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۷ و شماره موتور ۱۸۱B۰۰۵۲۷۸۰ و شماره شاسی NAAN۱۱FE۹JH۵۵۰۳۷۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو وانت پیکان سایپا کوئیک MT به شماره پلاک ۷۹۵ ی ۴۸– ایران ۱۴ به رنگ اطلسی متالیک مدل ۱۳۹۹ و شماره موتور M۱۵/۹۰۵۷۳۵۸ و شماره شاسی NAS۸۴۱۱۰۰L۱۰۸۱۴۲۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

چون سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اهواز مالک خودروی کامیون بنز ۴۰۲–۱۹۲۴/۵۲ WHL مدل ۱۴۰۲ به شماره انتظامی ۳۱۲/۵۵–۰۲/۱۱ گ ۴۸ با شماره شاسی NAB۳۷۴۴۴۵PA۰۰۴۰۶۳ و شماره موتور ۳۳۵۹۴۰۱۰۱۴۷۶۲۲ به علت فقدان سند تقاضای صدور سند المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران، کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نمایند.

برگ سبز خودرو سواری هاچ‌بک سایپا کوئیک MT به شماره پلاک ۷۹۵ ی ۴۸– ایران ۱۴ به رنگ اطلسی متالیک مدل ۱۳۹۹ و شماره موتور M۱۵/۹۰۵۷۳۵۸ و شماره شاسی NAS۸۴۱۱۰۰L۱۰۸۱۴۲۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

چون سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اهواز مالک خودروی کامیون بنز ۴۰۲–۱۹۲۴/۵۲ WHL مدل ۱۴۰۲ به شماره انتظامی ۳۱۲/۵۵–۰۲/۱۱ گ ۴۸ با شماره شاسی NAB۳۷۴۴۴۵PA۰۰۴۰۶۳ و شماره موتور ۳۳۵۹۴۰۱۰۱۴۷۶۲۲ به علت فقدان سند تقاضای صدور سند المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران، کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نمایند.

برگ سبز خودرو کامیونت نیسان ۲۴۰۰ به شماره پلاک ۶۵۶ ب ۱۱– ایران ۸۴ به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۸۳ و شماره موتور ۲۳۸۵۶۴ و شماره شاسی D۳۵۱۴۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت اول) مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب امید برواییه فرزند هادی به شماره شناسنامه ۱۷۴۱۱۶۳۶۷۶ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته ایمنی صنعتی و محیط کار صادره از واحد دانشگاهی موسسه آموزش عالی کارون با شماره ۵۲۶۵۵/ک مورخ ۱۴۰۱/۲/۱۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به موسسه آموزش عالی کارون به نشانی: استان خوزستان، شهرستان اهواز، کوی ملت (کوروش)– خیابان اقبال– فاز ۳– بین خیابان ۳ و ۴ کمربندی کدپستی ۶۱۶۴۸۸۵۱۸ ارسال نماید.

برگ سبز و سندکمپانی خودرو سواری سمند ال ایکس، مدل ۱۳۸۳ ، رنگ فیلی روشن – متالیک، به شماره انتظامی ۴۸۱ ج ۹۲ ایران ۴۶ ، شماره موتور۱۲۴۸۳۱۱۵۰۱۸ و شماره شاسی۸۳۸۴۴۱۱۸ بنام حمید حسینجانی نصیرمحله مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.(رشت)

سندمالکیت و کارت خودروی سواری سایپا ، مدل ۱۴۰۰ ، به رنگ سفید ، به شماره شاسی NAS ۳۳۱۱۰۰M ۵۷۳۵۳۵۹ و شماره موتور۱۵۹۲۱۷۹۸۳ M و به شماره نیروی انتظامی ۳۵۱ ص ۱۴۱ ایران ۷۶ بنام نسیبه پورعبدالله مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد. (لنگرود)

« نوبت اول » سندکمپانی بلدوزر ۲ ـ D۱۵۵A، به شماره موتور ۳۳۶۳۷ و شماره بدنه ۵۸۳۳۳ بنام شرکت راه و ساختمان گیلبان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد. (رشت۲)

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۳

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۲۰/۰۰۰	۳/۵۱۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۱۶۰/۰۰۰	———	———

توجه

۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.

۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.

۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.

۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.

۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا

نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه

مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....

آدرس:.....

کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....

شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸–۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲–۰۲۱

امور مشترکین موسسه کیهان

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید